

# گسل‌های خطر در صنایع دستی ایران

◀ حجت‌اله مرادخانی – پژوهشگر صنایع دستی و مدرس دانشگاه



این گسل به‌ویژه در آینده می‌تواند خطرناک شود. زیرا در سطح جهانی، صنایع دستی دقیقاً به دلیل «هویت» و «داستان» خود ارزش دارد. از یک طرف اگر اصالت حذف شود، بازار جهانی از دست می‌رود؛ از طرف دیگر، اگر نوآوری مسدود شود، صنایع دستی به مرور حذف خواهد شد.

**۶. گسل بی‌اعتمادی؛ فروپاشی سرمایه اجتماعی**  
شاید خاموش‌ترین، اما قدرتمندترین گسل صنایع دستی ایران، شکاف اعتماد است. سال‌ها و عده بدون عمل، طرح‌های نیمه‌کاره، عدم شفافیت در آمارها، برنامه‌ها، تصمیمات متناقض، و تجربه‌های تلخ هنرمندان یا نهادهای رسمی، یک لایه بی‌اعتمادی جدی ساخته است. نمی‌توان منکر بود که این بی‌اعتمادی پیامدهایی جدی در پی دارد. کاهش مشارکت فعالان صنایع دستی و مقاومت نسبت به سیاست‌های موجود، تزلزل در شبکه‌های تولید جمعی و عدم ارائه اطلاعات واقعی به تصمیم‌سازان کلان کشور از جمله این موارد هستند. فعال شدن این گسل و بی‌توجهی به تبعات آن، آسیب مهلکی به همکاری اجتماعی در صنایع دستی وارد می‌کند؛ چراکه هیچ صنعتی بدون اعتماد نمی‌تواند توسعه یابد.

**آینده صنایع دستی در گرو مدیریت گسل‌هاست**  
وضعیت امروز صنایع دستی ایران نشان می‌دهد که این حوزه با مجموعه‌ای از شکاف‌های ساختاری، نهادی، انسانی، اقتصادی روبه‌رو است. این گسل‌ها به‌خودی‌خود بحران‌زا نیستند اما فعال شدن آن‌ها در نتیجه تنش‌های ساختاری، هزینه‌های جدی برای این هنر صنعت کهن و فعالان آن در پی دارد. اما این آینده ممکن یا محتمل، قابل تغییر به آینده مطلوب است؛ به شرط آنکه رویکرد حکمرانی نسبت به صنایع دستی بر مبنای آینده‌پژوهی، تاب‌آوری، نهادسازی حرفه‌ای و توانمندسازی واقعی هنرمندان بازطراحی شود. صنایع دستی ایران هنوز قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بی‌نظیری دارد، اما این ظرفیت‌ها فقط زمانی شکوفا می‌شود که گسل‌های مذکور شناسایی، مدیریت و مهار شوند. آینده این حوزه نه در نمایشگاه‌ها، شسواف و آمارسازی‌ها، بلکه در مدیریت علمی شکاف‌ها و ساختن زیرساخت‌های پایدار رقم خواهد خورد. واقعیتی بدیهی که اگر آن را انبیینم و نپذیریم، جبر شرایط در آینده‌ای نه‌چندان دور آن را به ما تحمیل خواهد کرد.

دیگر سیاست‌های حمایتی دولت پایدار نیست. نهاد یا مرجع مشخصی برای مدیریت دانش و اطلاعات تخصصی این حوزه وجود ندارد و مسئله بسیار مهم تحقیق و توسعه بدون متولی و کلابی‌اهمیت مانده است. این شرایط تزلزل غیر قابل انکاری در ساختار صنایع دستی ایجاد کرده که تحمیل تغییرات مدیریتی سریع و فاقد تخصص، هر گونه پیوستگی را در سطح کلان را از بین می‌برد. این موارد و نمونه‌های دیگر نظیر آن همگی بیانگر وجود گسل نهادی در صنایع دستی ایران است. وقتی نهادی قوی برای اتصال دولت، بازار و هنرمندان وجود نداشته باشد، ساختار در برابر هر تنشی بی‌دفاع و سخت متزلزل خواهد بود. به عبارت ساده‌تر، ضعف نهادی یعنی نبود ستون فقرات استحکام بخش برای سیستم صنایع دستی و سیستمی که ستون فقرات نداشته باشد، با کوچک‌ترین ضربه فرو می‌ریزد.

**۵. گسل تعارض میان میراث و توسعه**  
یکی دیگر از گسل‌های فکری در مدیریت صنایع دستی ایران که با وجود اهمیت زیاد هرگز مورد بررسی جدی قرار نگرفته است، به عبارت دیگر شاید بسیار به وجود آن واقف باشند اما به دلایلی به آن ورود نمی‌کنند؛ چراکه حاضر به پذیرش هزینه‌های مرتبط با چالش‌های آن نیستند. این گسل تعارض میان «میراث‌گرایی» و «توسعه‌گرایی» است. در صنایع دستی از یک‌سو با مدیرانی مواجهیم که نگرش بسته داشته و هر گونه تغییر را تهدیدی برای اصالت می‌دانند. در سوی دیگر کسانی هستند که توسعه را به صورت افسارگسیخته و بدون توجه به ریشه‌ها دنبال می‌کنند. این تعارض به سبب نبود نظارت جدی و ساختارمند، به سمت و سوی روشنی نمی‌رود. در نتیجه این گسل گفتگمانی، سیاست‌گذاری را دچار تناقض ماهوی شد و از آن‌ها که به دلایلی که پیش‌تر بیان شد و صنایع دستی در ساختار کلان یک اولویت راهبردی نیست، تلاشی اصولی برای رفع آن هم صورت نمی‌گیرد. در این تشویش کلان ما شاهد طرح‌هایی هستیم که اصالت را حفظ نمی‌کنند و تنها به دنبال کسب سود هستند مانند پروژه‌های فروش هرمی نوظهور در صنایع دستی ایران که به تولید انبوه بی‌کیفیت منتهی شده و بسیار خطرناکند. و از سوی دیگر پروژه‌هایی که بازارپذیری صنایع دستی را نادیده انگاشته و صرفاً به خیال خود دنبال آثار فاخر هستند و مانع نوآوری‌اند.

سن استادکاران پیشکسوت و نبود جانشین آن‌ها، تغییر شغل هنرمندان صنایع دستی به مشاغل غیرهنری، تعطیلی تدریجی کارگاه‌های کوچک، کاهش اشتیاق در میان نسل جوان بخاطر نبود امنیت شغلی و از بین رفتن آموزش‌های سنتی و کاهش کیفیت تولیدات این حوزه از مصادیق این شرایط است. این گسل وقتی خطرناک‌تر می‌شود که بدانیم بخش بزرگی از رشته‌های صنایع دستی به انتقال دانش ضمنی وابسته‌اند، دانشی که اگر یک نسل منتقل نشود، دچار گسست نسلی شده و ممکن است برای همیشه از بین برود. از منظر آینده‌پژوهی، این وضعیت نیز یک هشدار قرمز است؛ بحران نیروی انسانی، آینده صنایع دستی را در سکوت تهدید می‌کند. فعال شدن این گسل می‌تواند رشته‌هایی را برای همیشه نابود کند و هویت زیست‌فرهنگی مناطق مختلف ایران را در معرض زوال خاموش قرار دهد. بی‌آنکه راهکار یا برنامه‌ای برای مواجهه و کنترل آن وجود داشته باشد.

**۳. گسل ضعف درک اقتصادی؛ مدیریتی که ادراک اقتصادی ندارد**  
یکی از وجوه مهم صنایع دستی وجه اقتصادی آن است. اما ساختار مدیریت این حوزه، به صورت تک‌وجهی و تک‌ساختی برای آن برنامه می‌ریزد و بر اجرای فراگیر برنامه‌هاش تاکید دارد. بی‌آنکه وجوه دیگر صنایع دستی را در نظر بگیرد و با نگرش آزمایش سرزمینی این عرصه را مدیریت کند. در نتیجه این مختصه به‌وجود آمده، بازارهای هدف به‌درستی شناسایی نمی‌شوند و زنجیره ارزش صنایع دستی بر خلاف ادعاها ناقص می‌ماند. بدیهی است که در این وضعیت مدل‌های کسب‌وکار بومی‌سازی نمی‌شوند و نه در سطح ملی و نه بین‌المللی برندسازی شکل نمی‌گیرد. بنابراین طبیعی است که صنایع دستی همچنان یک فعالیت معیشتی کم‌بازده تلقی شود و به عبارت عامیانه‌تر در سطوح ملی اصلاً به حساب نیاید. در چنین بستری، هر تنش اقتصادی، افزایش نرخ ارز، محدودیت‌های صادراتی، رقابت منطقه‌ای می‌تواند کسب‌وکارهای کوچک را از پا درآورد. این شکاف عمیق میان مدیریت و اقتصاد، یکی دیگر از گسل‌های سیستمیک است؛ که فعالیت نسبی آن در این سال‌ها خسارت‌های زیادی به بازار صنایع سنتی وارد کرده است. در واقع، از مهم‌ترین علت شکست‌های امروز صنایع دستی، فقدان نگاه اقتصادی و تفکر بازار در حکمرانی است. آینده‌پژوهی به صراحت می‌گوید: سیستم‌هایی که اقتصاد را نفهمند، تاب‌آوری نمی‌سازند.

**۴. گسل نهادسازی؛ ستون فقراتی که هنوز ساخته نشده**  
در دنیای امروز وجود نهادها در هر سیستم اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی واجد اهمیت بسیار بالایی است؛ چراکه نهادها ساختارهایی هستند که قواعد بازی، ثبات، هماهنگی و تاب‌آوری سیستم را ایجاد و استعمار می‌بخشند. نمی‌توان منکر این واقعیت شد که هیچ صنعت و کسب و کاری در سطح کلان، بدون نهادهای قوی نمی‌تواند بقا پیدا کند. با این اوصاف در صنایع دستی از یک سو نهادهای صنفی ضعیف‌اند و از سوی

نیز از این قاعده مستثنی نیست. در واقع این مفهوم استعاره‌ای از همان «گسل‌های زمین‌شناسی» است که اغلب در زمان زلزله حرکت آن‌ها خسارت‌های جبران‌ناپذیری به‌وجود می‌آورد؛ یعنی نقاطی در پوسته زمین که تا یک مدت زمان آرام‌اند اما با کوچک‌ترین تنش یا فشار، شوک‌های بزرگ و پیش‌بینی‌ناپذیر ایجاد می‌کنند.

اما وجوه این گسل‌های سیستمیک در صنایع دستی ایران دارای چه صورت‌بندی است، مسئله‌ای که در ادامه ابعاد آن تشریح خواهد شد:

**۱. گسل حکمرانی رسمی \_ واقعیت میدانی؛ شکافی که هر شوکی می‌تواند فعالش کند**  
نخستین و شاید جدی‌ترین گسل، گسل حکمرانی رسمی و واقعیت میدانی در عرصه صنایع دستی است. در سطح سیاست‌گذاری کلان، صنایع دستی همواره با گزاره‌هایی چون «میراث ملی»، «اشتغال پایدار»، «برند جهانی» و «هنر-صنعت» توصیف می‌شود. اما این ادبیات رسمی فاصله‌ای عمیق با زندگی واقعی هنرمندان و فعالان صنایع دستی دارد. بسیاری از تولیدکنندگان کوچک، کارگاه‌ها و استادکاران محلی با مشکلاتی چون جهش قیمت مواد اولیه، نبود بیمه و نظام حمایتی پایدار، بی‌ثباتی نسبی بازار، فشارهای رایج هزینه‌های زندگی و ناتوانی در رقابت با کالاهای شبه‌دستی وارداتی روبه‌رو هستند. مواردی که تقریباً با هر نوسانی در کشور به ابعاد آنها افزوده می‌شود. در عمل سیاست‌گذاری کلان اما به مسیر دیگری می‌رود: گزارش‌سازی، افتتاحیه‌های رسانه‌ای، همایش‌های کم‌اثر، و تمرکز بر اقدامات کوتاه‌مدت و مواردی از این قبیل در دستور کار قرار دارد. این تفاوت گفتگمانی و ساختاری، یک گسل سیستمیک جدی ایجاد کرده است. وقتی یک تنش کوچک وارد شود، مثلاً کاهش قدرت خرید، تورم ناگهانی، یا تغییر قوانین صادرات این گسل فعال شده و روند فروپاشی در خوشه‌ها و کارگاه‌های کوچک آغاز می‌شود. مقوله‌ای که در چند سال اخیر به وضوح اثرات آن آشکار شده است. از منظر آینده‌پژوهی، این گسل نه یک مشکل ساده، بلکه نقطه آسیب‌پذیری سیستمی است. زیرا حکمرانی تا مادامی که درک واقعی و دقیقی از میدان نداشته باشد، نمی‌تواند تاب‌آوری بوجود آورد. در نتیجه این شرایط، سیستم شکنندگی پیدای می‌کند که با کوچک‌ترین تکان‌های دچار اختلال می‌شود.

**۲. گسل فرسودگی سرمایه انسانی؛ سقوط آرام اما پیوسته**  
مانند هر سیستمی، سرمایه انسانی قلب صنایع دستی است. هر رشته‌ای که از بین برود، هر استادکاری که کارگاهش را ببندد و هر نوجوانی که به دلیل معیشت یا بی‌انگیزگی وارد این حوزه نشود، یک قطعه از این پیکره فرهنگی از دست می‌رود. شور‌بختانه فرسودگی سرمایه انسانی که هرگز جدی تلقی نشده و در سایه بی‌توجهی مدیریت ارشد صنایع دستی تبدیل به یک گسل خاموش شده، که در ظاهر صدا ندارد، اما ظرفیت تخریب آن بسیار بالاست. اگر بخواهیم نشانه‌های فعال شدن این گسل را توصیف کنیم، شکل‌گیری گسست نسلی در نتیجه افزایش

**یک پژوهشگر صنایع دستی هشدار داد: «آرامش ظاهری صنایع دستی ایران می‌تواند هر لحظه جای خود را به لرزشی ساختاری بدهد؛ لرزشی که اگر مدیریت نشود، پیامدهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای به دنبال خواهد داشت.»**

صنایع دستی به‌عنوان یکی از کهن‌ترین عرصه‌های آفرینش‌های هنری، هویتی و اقتصاد فرهنگ ایران ام‌روز در نقطه‌ای قرار گرفته که ظاهر آن شاید برای مخاطب عام آرام و نسبتاً ایستا به نظر برسد، اما در بطن این شرایط تزلزل ساختارمندی شکل گرفته که هر لحظه امکان فرو ریختن فراگیر آن وجود دارد. نمایشگاه‌های صنایع دستی برگزار می‌شوند، مدیران آمارهای رو به رشد منتشر می‌کنند و در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها از ظرفیت‌های بی‌نظیر صنایع دستی ایران صحبت می‌شود. اما اگر این وضعیت را از دریچه نگاه آینده‌پژوهی و آکاوی کنیم، شرایط چندان اطمینان‌بخش نیست و زیر این آرامش ظاهری، گسل‌های خطری نهفته است که اگر فعال شوند، می‌توانند در مدت کوتاهی کل سازه این حوزه را به لرزه درآورده و تخریب کنند. گسل‌هایی که سال‌ها خاموش بوده‌اند، اما انباشت تدریجی فشارهای درونی، آن‌ها را به مرز فعال شدن کشانده است

درک این گسل‌ها تنها یک کار تحلیلی صرف نیست، بلکه ضرورتی راهبردی برای جلوگیری از یک بحران بزرگ در آینده صنایع دستی ایران است؛ چراکه تبعات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی امنیتی این خسران به انداز‌ای بزرگ و وسیع خواهد بود که در صورت فراگیر ش‌ود، دیگر مجال مدیریت و کنترل را به هیچ فرد یا نهادی نخواهد داد. آینده‌پژوهی به ما هشدار می‌دهد که گسل‌ها زمانی فعال می‌شوند که اتفاقاً سیستم در ظاهر آرام باشد، اما در زیرساخت‌ها شکاف‌هایی عمیق و انباشته وجود داشته باشد. صنایع دستی ایران در بزنگاه زمانی فعلی دقیقاً در چنین وضعیتی قرار دارد و شور‌بختانه متولیان امر به سبب ناآگاهی، متوجه ابعاد این ابر مسئله نیستند.

این شرایط را شاید بتوان با تکیه بر مفهوم گسل‌های سیستمیک «Systemic Fault Lines» در علم آینده‌پژوهی بهتر بتوان تحلیل و وضعیت بغرنج صنایع دستی ایران را توصیف کرد. یک مفهوم کلیدی در تحلیل سیستم‌های پیچیده و آینده‌پژوهی است. این اصطلاح و مفهوم مهم به‌طور واضح به نقاط ضعف یا شکاف‌های پنهان در یک سیستم اشاره دارد که در شرایط عادی ممکن است خیلی به چشم نیایند، اما در مواجهه با فشار، شوک یا تغییرات ناگهانی، می‌توانند کل سیستم را دچار بحران یا فروپاشی کنند. این نقاط ناپایدار، پنهان و انباشته خطر در همه سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، فناوری و زیست‌محیطی به‌طور بالقوه می‌توانند شکل بگیرند و ساختار کلان صنایع دستی ایران

## فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

نوبت اول

شرکت آب و فاضلاب استان هرمزگان به عنوان دستگاه مناقصه‌گزار در نظر دارد عملیات بازسازی مخازن ذخیره شهر بندرعباس، برآورد اولیه : ۱۱۵,۶۴۷,۶۶۰,۶۴۹ ریال از محل اعتبارات طرح های تملک دارایی های سرمایه ای، را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ فروش اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۸ لغایت ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ می باشد.

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف آدرس: بندر عباس\_بلوار ناصر\_جنب بیمارستان شریعتی\_شرکت و آب و فاضلاب استان هرمزگان(امور قراردادها) تلفن ۳۳۳۵۰۵۸۲-۸۶-۸۷ می باشد.

شرکت آب و فاضلاب استان هرمزگان

شماره ۲۰۶۶۳۰۷



کیش نوش

**تولید آب معدنی طبیعی با دستگاه R.O (اسمز معکوس) استریل به وسیله ازن بدون اضافه نمودن مواد شیمیایی و با گالیک پرکن تمام اتوماتیک با مرحله استریل**

**دارای پروانه بهره برداری و بهداشت**

**تایید شده سیستم توسط WHO**

شرکت تولید و بخش آب معدنی

جزیره کیش- منطقه صنعتی درخت سپهر- خیابان سوم- شماره ۸- تلفن کارخانه: ۴۴۴۷۳۴۲۲-۴۴۴۷۳۴۲۱-۴۴۴۷۳۴۲۰

۴۴۴۲۴۹۶۹  
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصاد کیش  
روزنامه